



بررسی جایگاه علمی و برخی نظریات حضرت امام جعفر صادق (ع) و تاثیر آن بر سبک زندگی اسلامی

نویسنده: امیرحسین شاهزیدی¹ دانشجوی مقطع کارشناسی دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان (خوراسگان)

• چکیده

حضرت امام جعفر صادق (ع) یکی از برجستگان علمی تاریخ است که جایگاه و شخصیت علمی و بسیاری از نظریات علمی، فلسفی ایشان حیرت دوست و دشمن را برانگیخته است، تا جایی که حتی در کلام و کتاب مخالفان نیز از ایشان با القاب و اوصافی شایسته و علمی نام برده شده است. روش تربیت شاگردان، مناظرات با دانشمندان، پایه گذاری مکتب دینی مبتنی بر علم و توجه به مباحث علمی در اکثر روایات به ما رسیده از ایشان، طرح مهندسی ویژه ای را برای کاربرد در زندگی فردی و اجتماعی اسلامی فراهم می کند. از این رو در مقاله حاضر، ابتداء جایگاه و شخصیت علمی و در ادامه اقدامات علمی نظیر تاسیس اولین دانشگاه اسلامی جهان، برخی نظریات علمی و مناظرات چندی از شاگردان امام جعفر صادق (ع) که می تواند تأثیر شگرفی بر پایه گذاری سبک زندگی اسلامی و تمدن بزرگ اسلامی داشته باشد، بیان شده است.

واژه گان کلیدی: امام جعفر صادق (ع)، تمدن اسلامی، جایگاه علمی، مناظرات، سبک زندگی اسلامی، دانشگاه اسلامی

¹ amirsahzidy@iran.ir

● مقدمه

بررسی شخصیت و جایگاه علمی امام جعفر صادق (ع) و تاثیر آن بر سبک زندگی اسلامی بهترین مرجع و راهنما برای تحقیق و پژوهش درباره سبک یک زندگی اسلامی مبتنی بر فعایت های علمی و عقیدتی در دوران ما است. در توضیح این موضوع ابتدا باید رابطه ی مفهومی بین سبک زندگی و چگونگی زیستن با دین و باورهای اعتقادی تبیین شود. بدون شک دین و مسلک تاثیر به سزایی در روش و سبک زندگی هر فرد دارد چرا که رد پای از تاکید بر روش زندگی الهی در تمام آموزه های دینی پیامبران ادیان مختلف دیده می شود و در مقابل نیز افرادی که خود را از قالب دین خارج و روی به اعتقادات انحرافی و خرافی آورده اند، نیز سبک زندگی خود را در چهارچوب همین اعتقادات انحرافی استوار می نمایند. یکی از ستون های اصلی سبک زندگی اسلامی از ابتدا شکل گیری اسلام با تاکیدات مکرر پیامبر اکرم (ص) توصیه بر آموختن علم و درک و به کار بستن این آموزه ها در زندگی روز مره مسلمانان بود. لذا این روش شجره طیبه ای در دین اسلام و به خصوص مذهب شیعه جعفری شد تا بسیاری از اسوه ها والگوهایی که سبک زندگی دینی و اسلامی خود را بر پایه علم بنا گذاشته اند، تحولی بزرگ در این عرصه به وجود آوردند. بی شک یکی از این بزرگمردان امام جعفر صادق (ع) بنیان گذار مکتب شیعه و پایه گذار اولین دانشگاه اسلامی در آن دوران سخت و خفقان می باشد که با تلاش و راهنمایی این امام و دیگران طاهرین و همچنین تربیت شاگردان توسط آنان اکنون ما در راهی قرار داده که با قوت می توانیم سبک زندگی اسلامی و دینی، تمدن پیشرفته اسلامی، مد نظر رهبری انقلاب را محکم تر بنا گذاشته در مقابل سبک زندگی علمی غربی، استوار بر تفکرات مادی پیروز گردیم.

● امام جعفر صادق (ع) و درس آموزی در محضر پدر

امام صادق (ع) به واقع حدود بیش از ۳۰ سال از زندگی خود را در کنار پدر گذارند که حدود ۱۹ سال آن پس از وفات امام سجاد (ع) جدبزرگوار او بود. در تمام این مدت او همگام و همراز و هم‌مرزم پدر بود و در همه امور او را همراهی می کرد .

پدر او اهل علم و فضل و عصمت بود، جلسه درس و بحث در عرصه معرفی قرآن و سنت داشت . اهل جود و سخاوت و بخشش بود و همه عمر و زندگی خود را در راه خدا وقف و ایثار کرده بود .

او امام بحق و جانشین حقیقی پیامبر (ص) بود، اگرچه مردم و یاحمکرانان روز آن را نپسندیده باشند .

امام صادق (ع) نیز از همان دوران کودکی ، نوجوانی و جوانی تحت نفوذ جد و پدر، به آداب و رسوم اهل بیت انس گرفت و مراعات آنها را بر خود واجب و لازم شمرد. ممارستها و ایمان به امور دینی این امر را در سینه او قوت بخشید

وآن معارف و زهد و فضیلت راوهم آن علم و عبادت را عمل نموده و پذیرا شد .

او همنشین پدر، شاگرد و دانشجوی او، محرم اسرار او و همدم و همراه او بود. در دردها و رنجهای ناشی از زمامداران و مصائب و دشواری های دهر با او مشارکت داشت و این عهدی از جانب او با پروردگار بود .

امام باقر(ع) جلسات درس عمومی و خصوصی داشت. جلسات عمومی او در مسجد پیامبر(ص) و دروس خصوصی او در خانه صورت می گرفت. ولی نکته مهم این بود که در آن روزگار مردم را بخاطر جو نابسامان حکومت، اعمال فشارها و تهدیدها ، تحت کنترل نامرئی بودن خاندان رسول الله (ص) حال و جرات حضور در محضر امام و شرکت در جلسات درس او نبود .

داوطلبان برای کسب علم اندک بودند، مردم به واقع حال و هوای علم رادرسر نمی پروراندند ، بسیاری از آنان منتظر بودند که ببینند فرجام مخالفت بنی امیه با خاندان پیامبر(ص) به کجا می انجامد و یا برسر شرکت کنندگان موجود در محضر درس او چه می آید .

البته بتدریج برعهده دانش پژوهان و طالبان افزوده شد و مجلس درس امام در اواخر عمر او، و حدود پایان دوران جوانی امام صادق(ع) رونق گرفت و بعدها همان شاگردان باجمعی جدید، گردآمده از نقاط مختلف جهان آن روز، به محضر درس امام صادق(ع) وارد شده و به او پیوستند .

او در تمام جلسات درس پدر شرکت می کرد، و حتی پاره ای از اسناد مانشان می دهند که در مجالس علما و فقهای زمان حضور می یافت و به اظهار نظر و نقد آراء آنها می پرداخت و یا با آنان مباحثه می کرد .

در مجلس درس امام باقر(ع) از همه دروس آن روزگار بحث بعمل می آمد، حتی از تاریخ، جغرافیا، هیئت و نجوم و... ولی عمده مباحث امام در زمینه قرآن و تفسیر آن بود امام می کوشید تا اذهان راز آموخته های غلط و نابسامان بشوید و اسلام را به همانگونه که در عصر پیامبر(ص) مطرح بود عرضه نماید.

• شخصیت و جایگاه علمی امام جعفر صادق (ع)

عالم آل محمد (ص) آنچه به دوره امامت حضرت امام صادق(ع) ویژگی خاصی بخشیده، استفاده از علم بی کران امامت، تربیت دانش طلبان و بنیان گذاری فکری و علمی مذهب تشیع است. در این باره چهار موضوع قابل توجه است: الف) دانش امام . ب) ویژگی های عصر آن حضرت که منجر به حرکت علمی و پایه ریزی نهضت علمی شد . ج) اولویت ها در نهضت علمی . د) شیوه ها و اهداف و نتایج این نهضت علمی . دانش امام شیخ مفید می نویسد: آن قدر مردم از دانش حضرت نقل کرده اند که به تمام شهرها منتشر شده و کران تا کران جهان را فراگرفته است و از هیچ یک از علمای اهل بیت (ع) به اندازه امام صادق(ع) حدیث نقل نشده است . اصحاب حدیث، راویان آن حضرت را با اختلاف آرا و مذاهبشان گردآورده و عددشان به چهار هزار تن رسیده و آن قدر نشانه های آشکار بر امامت آن حضرت ظاهر شده که دلها را روشن و زبان مخالفان را از ایراد شبهه لال کرده است .

سید مومن شافعی نیز می نویسد: مناقب آن حضرت بسیار است تا آن جا که شمارشگر حساب ناتوان است از آن. ابوحنیفه می گوید: من هرگز فقیه تر از جعفر بن محمد(ع) ندیده ام و او حتما داناترین امت اسلامی است. حسن بن زیاد می گوید: از ابوحنیفه پرسیدم: به نظر تو چه کسی در فقه سرآمد است؟ گفت: جعفر بن محمد(علیه السلام). روزی منصور دوانیقی به من گفت: مردم توجه زیادی به جعفر بن محمد(ع) پیدا کرده اند و سیل جمعیت به سوی او سرازیر شده است. پرسشهایی دشوار آماده کن و پاسخ هایش را بخواه تا او از چشم مسلمانان بیفتد. من چهل مسئله دشوار آماده کردم. هنگامی که وارد مجلس شدم، دیدم امام در سمت راست منصور نشسته است. سلام کردم و نشستم. منصور از من خواست سوالاتم را بپرسم. من یک سوال می کردم و حضرت در جواب می فرمود: در مورد این مسئله، نظر شما چنین و اهل مدینه چنان است و فتوای خود را نیز می گفتند که گاه موافق و گاه مخالف ما بود. ویژگی های عصر آن حضرت عصر امام صادق(ع) همزمان با دو حکومت مروانی و عباسی بود که انواع تضییق ها و فشارها بر آن حضرت وارد می شد بارها او را بدون آن که جرمی مرتکب شود، به تبعید می بردند. از جمله یکبار به همراه پدرش به شام و بار دیگر در عصر عباسی به عراق رفت. یکبار در زمان سفاح به حیره و چند بار در زمان منصور به حیره، کوفه و بغداد رفت. با این بیان، این تحلیل که حکومت گران به دلیل نزاع های خود، فرصت آزار امام را نداشتند و حضرت در یک فضای آرام به تأسیس نهضت علمی پرداخت، به صورت مطلق پذیرفتنی نیست، بلکه امام با وجود آزارهای موسمی اموی و عباسی از هر نوع فرصتی استفاده می کرد تا نهضت علمی خود را به راه اندازد و دلیل عمده رویکرد حضرت، بسته بودن راه های دیگر بود. چنان که امام از ناچاری عمدا روبه تقیه می آورد. زیرا خلفا درصدد بودند با کوچکترین بهانه ای حضرت را از سر راه خود بردارند. همانگونه که در تاریخ نیز ثبت می باشد، منصور تا بدانجا پیش می رود که جاسوسانی در لباس دوست برای فریب امام(ع) روانه می گرداند تا شاید بتواند با نیرنگ روابط سیاسی امام و شیعیانشان در خراسان را آشکار ساخته و امام را در کام توطئه اندازد، اما علم لدنی و عنایت پروردگار درایت و فراست امام را برانگیخته و موجبات رسوائی هرچه بیشتر منصور را فراهم می سازد. آری این همه نشان از اختناق و فشاری دارد که مانع از هر نوع اقدام علیه حکومت وقت می شد، لذا امام به سوی تنها راه ممکن که همان ادامه مسیر پدر بزرگوارش امام باقر(ع) روی آورد و از در دانش و علم وارد شد. چون قیامهای مسلحانه به دلیل اقتدار حکام اموی و عباسی عموما با شکست رو به رو می شد، نهضت امام صادق(ع) به سوی حرکتی علمی می توانست سوق پیدا کند تا از این گذر علاوه بر پایان دادن به رکود و سکوت مرگبار فرهنگی، اختلاط و التقاط مذهبی و دینی و فرهنگی نیز زدوده شود. لذا اولویت در نهضت امام بر ترویج و شکوفایی فرهنگ دینی و مذهبی و پاسخگویی به شبهات و رفع التقاط شکل گرفت. تربیت راویان از گذر ممنوعیت نقل احادیث در مدت زمان طولانی توسط حکام اموی، احساس نیاز شدید به نقل روایات و سخن پیامبر(ص)، امیر مومنان(ع)، امام(ع) را وامی داشت به تربیت راویان در ابعاد مختلف آن روی آورد. لذا اینک از آن امام در هر زمینه ای روایت وجود دارد و این است راز نامیده شدن مذهب به جعفری. آری! راویان با فراگرفتن هزاران حدیث در علموی چون تفسیر، فقه، تاریخ، مواظ، اخلاق، کلام، طب، شیمی و... سدی در برابر انحرافات ایجاد کردند. امام صادق(ع) می فرمود: ابان بن تغلب سی هزار

حدیث از من روایت کرده است. پس آن ها را از من روایت کنید. محمد بن مسلم هم شانزده هزار حدیث از حضرت فرا گرفت و حسن بن علی و شامی گفت: من در مسجد کوفه نهصد شیخ را دیدم که همه می گفتند: جعفر بن محمد (ع) برایم چنین گفت. این حجم گسترده از روایان در واقع، کمبود روایت از منبع بی پایان امامت را در طی دوره های مختلف توانست جبران کند و از این حیث امام (ع) به موفقیت لازم دست یافت. آری! روایت از این امام منحصر به شیعه نشد و اهل سنت نیز روایات فراوانی در کتب خود آوردند. ابن عقده و شیخ طوسی در کتاب رجال و محقق حلی در المعتمد و دیگران آماری داده اند که مجموعاً روایان از امام به چهار هزار نفر می رسند و اکثر اصول اربعه‌ائمه از امام صادق (ع) است و همچنین اصول چهارصدگانه اساسی کتب اربعه شیعه (کافی، من لا یحضره الفقیه، التهذیب و الاستبصار) را تشکیل دادند. تربیت مبلغان و مناظره کنندگان علاوه بر ایجاد خزائن اطلاعات (روایان) که منابع خبری موقت تلقی می شدند، حضرت به ایجاد شبکه ای از شاگردان ویژه همت گمارد تا به دومین هدف خود یعنی زدودن اختلاط و التقاط همت گمارند و شبهات را از چهره دین بزایند. هشام بن حکم، هشام بن سالم، قیس، مومن الطاق، محمد بن نعمان، حمران بن اعین و... از این دست شاگردان مبلغ هستند. تاجائی که امام (ع) در ضمن برخی مناظراتشان شاگردان خود را تشویق می نمایند تا در حضور امام در فنی که تخصص یافته و در آن متبحر شده اند، با دیگران رودررو شده و این جرأت و قدرت بیان را به نمایش بگذارند. جالب تر آنکه امام (ع) در هر فنی از یکی از ایشان درخواست مطلب می نماید و توان تخصصی افراد را به صحنه مناظره کشیده تا همه بدانند مبلغ دین در فنون تخصصی و ویژه ای که آموزش دیده می بایست به پاسخ بپردازد. برخورد با انحرافات ویژه امام علاوه بر آن دو حرکت اصولی، برای رفع انحرافات ویژه نیز می کوشید، مانند آنچه از مرام ابوحنیفه در عراق گریبان شیعیان را گرفته بود، یعنی مذهب قیاس. چون در عراق تعداد زیادی از شیعیان نیز زندگی می کردند و با سنی ها از حیث فرهنگی و اجتماعی تا حدودی در آمیخته بودند، لذا احتمال تأثیر پذیری از قیاس وجود داشت. یعنی یک آفت درونی که می توانست شیعیان را تهدید کند، لذا امام در محو مبانی مذهب قیاس و استحسان تلاش کرد. مبارزه با برداشت های جاهلانه و قرائت های سلیقه ای از دین نیز در مکتب امام جایگاه ویژه ای داشت و حضرت علاوه بر حرکت کلی و مسیر اصلی، به صورت موردی با این انحرافات مبارزه می کرد. هدف امام صادق (ع) از گسترش برنامه فرهنگی، چاره جهل امت و تقویت عقیده به مکتب و نظام و نیز ایستادگی در برابر امواج کفرآمیز و شبهه های گمراه کننده و حل مشکلات ناشی از انحراف حکومت بود. تلاش آن حضرت از طرفی مقابله با امواج ناشناخته و فاسد اوضاع سیاسی عهد امویان و عباسیان بود که انحرافات عقیدتی آن، بیشتر معلول ترجمه کتابهای یونانی و فارسی و هندی و پدید آمدن گروه های خطرناک از جمله غلات و زندیقان و جاعلان حدیث و اهل رای و متصوفه بود که زمینه های مساعد رشد انحراف را به وجود آورده بودند. امام (ع) در برابر تمامی آنها ایستادگی کرد و در سطح علمی، با همه مشاجره و مباحثه کرد و خط افکارشان را برای ملت اسلام افشا نمود و از طرف دیگر با تلاش های خستگی ناپذیر، مفاهیم عقیدتی و احکام شریعت را منتشر ساخت و آگاهی علمی را پراکند و توده های عظیم دانشمندان را به منظور آموزش مسلمانان مجهز ساخت. امام صادق (ع) مسجد پیامبر را در مدینه محل

تدریس خویش قرار داد و مردم دسته دسته از دور و نزدیک به آنجا می شتافتند و سوالات گوناگون خود را مطرح و جواب لازم را دریافت می نمودند. از جمله استفاده کنندگان از محضر آن بزرگوار، مالک بن انس، ابوحنیفه، محمد بن حسن شیبانی، سفیان ثوری، ابن عیینه، یحیی بن سعید، ایوب سجستانی، شعبه بن حجاج، عبدالملک جریح و دیگران بودند .

• امام جعفر صادق (ع) پایه گذار اولین حوزه علمیه یا دانشگاه اسلامی

امام صادق (ع) بعد از شهادت پدر بزرگوارش امام محمد باقر (ع) در طول ۳۴ سال امامتش با پنج طاغوت اموی و دو طاغوت عباسی روبه رو بود. در این ایام بر اثر جنگ و ستیزهای بنی عباس برای براندازی حکومت بنی امیه و درگیری شدیدی که با یکدیگر داشتند، فضای مناسبی برای تبلیغ مکتب تشیع فراهم شد. امام در این فرصت توانست وسیع ترین دانشگاه اسلامی را پی ریزی کند و در این راستا توفیقات سرشاری به دست آورد . دکتر جلال‌الدین رحمت، رئیس مؤسسه مطهری باندونگ و از اندیشمندان اندونزی ضمن بررسی شرایط سیاسی حاکم بر دوران امام صادق (ع) می گوید: ظهور فرقه های انحرافی در درون جامعه اسلامی، ترجمه فلسفه یونانی و شبهات فلسفی ناشی از تفکر فلسفی یونان در حوزه اسلامی، رواج جعل احادیث و تحریفات تاریخی از دلایل توجه و اهتمام امام صادق (ع) به راه اندازی نهضت علمی در مدینه و پرورش شاگردان برجسته است.

• خصوصیات حوزه علمیه امام صادق (ع)

الف) جامعیت از نظر ملیت در گزینش شاگردان
حوزه علمیه امام صادق (ع) منحصر به افراد یک شهر و یک نژاد نبود ؛ بلکه از اطراف و اکناف عالم اسلام ، از عراق و مصر و خراسان و حجاز از محضر امام صادق (ع) بهره می بردند.
ابو ربیع شامی گفته : من بر ابی عبد الله (ع) وارد شدم ، دیدم خانه مملو از جمعیت است. در میان جمعیت از هر گوشه جهان از شامی و خراسانی و ... حضور داشتند. من هیچ جایی برای نشستن نیافتم [2].

ب) نداشتن تعصب مذهبی
با اینکه امام صادق (ع) رهبری شیعه را بعهدہ داشت ، حوزه درسی آن حضرت به یک فرقه و مذهب اختصاص نداشت. مسلمانان امام صادق (ع) را رهبر یک فرقه یا مذهب خاص نمی دانستند. بدین جهت از هر مذهب و نحله فکری که بودند ، به خدمت آن حضرت رسیده و مجلس درس او را برای بهره گیری دانش مغتنم می دانستند. در میان کسانی که به نزد آن حضرت برای فراگیری دانش و استماع روایت می شتافتند ، از معتزلی ، زیدی ، مرجئی ، کیسانی و ... دیده می شد.

[2]. محمد بن یعقوب کلینی ؛ کافی ، ص ۶۳۷

نجاشی در مورد حسین بن علوان کلبی نوشته که وی عامی است و او و برادرش حسن از امام صادق(ع) روایت کرده اند^[3]. شیخ طوسی در مورد حسن بن صالح ثوری که از امام صادق(ع) روایت کرده ، گفته : وی زیدی بتری مذهب بوده است^[4].

عنوان بصری از این که امام صادق(ع) او را نپذیرفته غمگین می شود و به حرم پیامبر(ص) رفته از خدا می خواهد دل امام (ع) را نسبت به او نرم کند تا او را بپذیرد تا سر انجام ، امام (ع) او را می پذیرد^[5]. سفیان ثوری نیز هرگاه حضرت امام صادق(ع) را می دید ، محضر حضرت را غنیمت می دانست و مسائل خود را نزد حضرت طرح می کرد یا افرادی را واسطه می کرد تا پاسخ مسائل خود را از آن حضرت بگیرد^[6].
(ج) جامعیت از نظر رشته

در حوزه امام صادق(ع) همه رشته های علوم اسلامی و حتی علوم غریبه تدریس می شد. با این حال آن حضرت شاگردانی را تربیت کرده بود که هر یک علاوه بر تسلط بر سایر علوم، در یک رشته خاص تخصص کامل داشتند. برخی از شاگردان حضرت در کلام ، برخی در فقه ، برخی در علوم قرآن و عده ای در ادبیات و غیره تخصص ویژه داشتند.

یونس بن یعقوب گفته : من نزد امام صادق(ع) بودم که یک شامی وارد شد. شامی به حضرت گفت : من در کلام و فقه و فرائض تخصص دارم. آمده ام تا با یارانانت بحث کنم. امام (ع) به یونس فرمود تا برود افرادی را که در کلام تخصص دارند ، حاضر کند. یونس می گوید : من حمران بن اعین ، مؤمن الطاق ، هشام بن سالم و قیس بن ماصر را حاضر کردم که در کلام تخصص داشتند. هر کدام آن ها که با شامی بحث کردند بر شامی غلبه یافتند. بعد هشام بن حکم از راه رسید. او نیز با شامی بحث کرد و بر شامی غلبه یافت^[7].

کشی می گوید: علما اعلم فقهای یاران امام صادق(ع) را شش نفر بیان می دانند که عبارت بودند از جمیل بن دراج، عبد الله بن مسکان، عبد الله بن بکیر، حماد بن عیسی، حماد بن عثمان، و ابان بن عثمان. وی زراره را در میان اصحاب امام باقر(ع)، و از قول ابواسحاق ثعلبه بن میمون، جمیل بن دراج را از یاران امام صادق(ع) اعلم ذکر می کند . عبد الرحمن بن حجاج و حماد بن عثمان تصریح کرده اند که در میان شیعه افقه از محمد بن مسلم وجود ندارد^[8].

ابان بن تغلب در قرائت تخصص داشت. محمد بن موسی صاحب اللؤلؤ گفته که هیچ کس را ندیدم که در قرائت از ابان برتری داشته باشد^[9]. وی در قرائت اجتهاد داشته و قرائتی مخصوص به خود داشته که در میان قاریان

^[3] . نجاشی ؛ رجال ، ص ۵۲

^[4] . محمد بن حسن طوسی ؛ التهذیب ، ج ۱ ، ص ۴۰۸

^[5] . علی بن حسن طبرسی ؛ مشکاه الانوار ، ص ۳۲۵

^[6] . محمد بن یعقوب کلینی ؛ الکافی ، ج ۴ ، ص ۴۰۴ ، محمد بن علی صدوق ؛ من لایحضره الفقیه ، ج ۴ ، ص ۲۸

^[7] . همان ، ج ۱ ، ص ۱۷۱

^[8] . محمد بن حسن طوسی ؛ اختیار معرفه الرجال ، ص ۱۶۷

^[9] . نجاشی ؛ رجال ، ص ۱۱

مشهور بوده است^{۱۰}[10]. جابر بن حیان که در علوم زیاد از جمله شیمی تخصص داشته، از شاگردان امام صادق(ع) بود. وی تألیفات زیادی داشته است^{۱۱}[11].

• نظریات و تئوری های علمی امام جعفر صادق (ع)

الف) درباره گردش زمین به دور خود

امام جعفر صادق علیه السلام در دوازده قرن قبل از بسیاری از دانشمندان غربی قرون گذشته و حتی گالیله که به خاطر این نظریه اش سوزانده شد، دریافت که زمین اطراف خود می‌گردد و آنچه سبب توالی روز و شب می‌شود گردش خورشید در اطراف زمین نیست (که وی آن را از لحاظ عقلی غیر قابل قبول می‌دانست) بلکه گردش زمین در اطراف خود سبب می‌گردد که روز و شب به وجود بیایند، و دائم نیمی از زمین تاریک و شب باشد و نیمی دیگر روشن و روز.

قدماء که عقیده به کروی بودن زمین داشتند می‌دانستند که پیوسته نیمی از زمین شب است و نیمی دیگر روز، ولی آنها روز و شب را ناشی از حرکت خورشید در اطراف کره زمین می‌دانستند.

چه شد که جعفر صادق علیه السلام در دوازده قرن قبل توانست پی ببرد که زمین اطراف خود می‌گردد، و در نتیجه روز و شب به وجود می‌آید؟

دانشمندان قرون پانزدهم و هفدهم میلادی با اینکه یک قسمت از قوانین مکانیک نجومی را کشف کرده بودند نتوانستند پی ببرند که زمین به دور خود می‌گردد و چگونه جعفر صادق در نقطه‌ای دور افتاده چون مدینه که از مراکز علمی آن روز دور بود، توانست دریابد که زمین اطراف خود می‌گردد؟

ب) پیدایش دنیا و نظریه اتم

پیدایش دنیا

جعفر صادق راجع به پیدایش دنیا چنین گفته است:

جهان از یک جرثومه به وجود آمد و آن جرثومه دارای دو قطب متضاد شد و دو قطب متضاد سبب پیدایش ذره گردید، و آنگاه ماده به وجود آمد، و ماده تنوع پیدا کرد، و تنوع ماده ناشی از کمی یا زیادی ذرات آنها می‌باشد. این تئوری با تئوری اتمی امروزی راجع به وجود آمدن جهان هیچ تفاوت ندارد. و دو قطب متضاد دو شارژ مثبت و منفی درون اتم است و آن دو شارژ، سبب تکوین اتم گردیده، و اتم هم ماده را به وجود آورده و تفاوتی که بین مواد (یعنی عناصر) دیده می‌شود ناشی از کمی یا زیادی چیزهائی است که درون اتم عناصر موجود می‌باشد...

[10] ۱۰. همان

[11] ۱۱. ابن ندیم؛ الفهرست، ص ۴۲۰-۴۲۲، خویی؛ معجم رجال الحدیث، ج ۴، ص

ج) بیان امام علیه السلام درباره ترکیبات بدن آدمی

اجزاء بدن انسان

جعفر صادق مثل سایر مسلمین می گفت که انسان از خاک آفریده شده است فرق او با مسلمین دیگر این بود که راجع به آفرینش انسان از خاک چیزهایی می گفت که به عقل هیچ یک از مسلمین در آن عصر نمی رسید. در اعصار بعد هم هیچ مسلمانی نتوانست راجع به ساختمان بدن انسان استنباطی چون جعفر صادق داشته باشد، و اگر کسی چیزی می گفت مستقیم یا غیرمستقیم از شاگردان جعفر صادق شنیده بود. او می گفت: تمام چیزهایی که در خاک هست در بدن آدمی وجود دارد اما به یک اندازه نیست. و بعضی از آنها در بدن انسان خیلی زیاد است و بعضی خیلی کم. در بین چیزهایی هم که در بدن انسان زیاد است، مساوات وجود ندارد و بعضی از آنها از بعضی دیگر کمتر می باشد. او گفت: چهار چیز است که در بدن انسان زیاد می باشد، و هشت چیز است که در بدن انسان کم می باشد و هشت چیز دیگر در بدن انسان خیلی کم است.

د) اکسیژن و هیدروژن در آب

نظر امام صادق علیه السلام در سوزاندگی اکسیژن

امام جعفر صادق در دوازده قرن و نیم قبل از این به وجود اکسیژن در هوا پی برد، و نیز در همان موقع پی برد که در آب چیزی هست که می سوزد و به همین جهت گفت که آب مبدل به آتش می شود.

و) نور

یکی از بدایع علمی جعفر صادق (ع) راجع به نور می باشد

او گفته است که نور از طرف اشیاء به سوی چشم ما می آید و از آن نور که از طرف هر شیء به سوی چشم ما می آید فقط قسمتی به چشم ما می تابد و به همین جهت ما اشیاء دور را به خوبی نمی بینیم و اگر تمام نوری که از یک شیء دور بسوی چشم ما می آید به دیده برسد ما شیء دور را نزدیک خواهیم دید. و اگر بتوان چیزی ساخت که به وسیله آن تمام نوری که از شیء دور می آید به چشم بتابانیم در صحرا شتری را که در فاصله ۳۰۰۰ ذرع می چرخد در فاصله ۶۰ ذرعی خواهیم دید. یعنی ۵۰ بار آن را نزدیکتر مشاهده خواهیم کرد. این تئوری توسط شاگردان امام به اطراف رفت و بعد از این در جنگهای صلیبی که تماس بین شرق و اروپا زیاد شد به اروپا منتقل گردید و در دانشگاههای اروپا تدریس شد.

ه) نظریه درباره عناصر اربعه

روزی در محضر درس پدرش استاد یعنی محمد باقر علیه السلام به این قسمت از فیزیک ارسطو که در جهان بیش از چهار عنصر وجود ندارد که عبارت است از خاک و آب و باد و آتش، جعفر صادق ایراد گرفت و گفت:

حیرت می‌کنم که مردی چون ارسطو چگونه متوجه نگردیده که خاک یک عنصر نیست بلکه در خاک عناصر متعدده وجود دارد و هر یک از فلزات که در خاک می‌باشد یک عنصر جداگانه به شمار می‌آید؟! از زمان ارسطو تا دوره جعفر صادق به تقریب هزار سال گذشته بود و در آن مدت طولانی عناصر اربعه به طوری که ارسطو گفت یکی از ارکان علم الاشیاء محسوب می‌شدند و کسی نبود که به آن عقیده نداشته باشد و در اندیشه هیچ کس خطور نمی‌کرد که با آن عقیده مخالفت نماید. او در محضر درس خود گفت: هوا دارای چند جزء است و یکی از اجزای هوا در بعضی از اجسام دخالت می‌کند و آنها را تغییر می‌دهد و از بین اجزای متعدّد هوا همان است که کمک به سوزانیدن می‌نماید، و اگر کمک آن نباشد اجسامی که قابل سوختن هستند نمی‌سوزند. این نظریه از طرف خود جعفر صادق علیه السلام انبساط پیدا کرد، و او باز در دروس خود گفت: آنچه در هوا کمک به سوزانیدن اجسام می‌نماید اگر از هوا جدا شود و به طور خالص به دست بیاید طوری از لحاظ سوزانیدن اجسام نافذ است که با آن می‌توان حدید (آهن) را سوزانید.

• مناظرات برخی شاگردان امام جعفر صادق (ع)

الف) مناظره با مرد شامی

مرحوم شیخ طوسی رضوان الله تعالی علیه به نقل از هشام بن سالم حکایت فرماید:

روزی به همراه جماعتی از اصحاب حضرت ابو عبدالله، امام جعفر صادق علیه السلام، در مجلس و محضر مبارکش نشسته بودیم، که شخصی از اهالی شهر شام اجازه گرفت و سپس وارد مجلس شد و سلام کرد.

امام علیه السلام جواب سلام او را داد و فرمود: بنشین.

پس از آن که نشست، حضرت او را مخاطب قرار داد و فرمود:

ای مرد شامی! خواسته ات چیست؟

و برای چه به این جا آمده ای؟

آن شخص اظهار داشت: شنیده ام که شما نسبت به تمام علوم و به همه مسائل آشنا و عالم هستی، لذا آمده ام تا مناظره کنم.

حضرت فرمود: در چه موردی؟

عرضه داشت: پیرامون قرآن؛ و حروف مقطعه و اعراب آن.

حضرت فرمود: مطالب خود را در این رابطه با حمران بن اعین در میان بگذار.

مرد شامی گفت: می خواهم با شخص خودت مباحثه و مناظره نمایم، نه با دیگران.

امام علیه السلام فرمود: مسائل خود را با حمران مطرح کن، چنانچه بر او غلبه کردی، بر من نیز غالب خواهی شد.

پس از آن، شامی با حمران مشغول مذاکره و مناظره گردید، به طوری که خود خسته و عاجز گشت.

حضرت فرمود: ای مرد شامی! او را چگونه یافتی؟

پاسخ داد: او را شخصی متخصص و آشنا یافتم، هر آنچه سؤال کردم، جواب کاملی شنیدم.

سپس عرضه داشت: چنانچه ممکن باشد می خواهم با خودت پیرامون علوم عربی مناظره نمایم؟

امام صادق علیه السلام اشاره به ابان بن تغلب نمود و اظهار داشت: آنچه می خواهی با این شخص مناظره کن.

مرد شامی کنار ابان بن تغلب رفت و در مناظره با او مغلوب شد، این بار به حضرت گفت: می خواهم در علم فقه مناظره کنم.

حضرت در این مرحله یکی دیگر از شاگردان خویش را به نام زراره، معرفی نمود و به مرد شامی فرمود: با او مناظره کن، که تو را در مسائل، قانع می نماید.

و چون با زراره مباحثه و مناظره کرد، نیز مغلوب گشت و شکست خورد؛ حضرت را مخاطب قرار داد و گفت: این بار می خواهم با خودت درباره علم کلام مناظره نمایم.

امام علیه السلام این بار نیز به یکی دیگر از شاگردان خود به نام مؤمن طاق خطاب نمود و فرمود: ای مؤمن طاق! با این مرد شامی در آنچه که می خواهد مناظره نما.

پس او طبق دستور حضرت با مرد شامی در علم کلام مناظره نمود و بر او غالب گردید.

و بر همین منوال با هشام بن سالم در توحید و خداشناسی؛ و بعد از آن با هشام بن حکم پیرامون امامت و

خلافت مناظره انجام گرفت و مرد شامی شکست خورد.

و امام جعفر صادق علیه السلام شادمان بود و تبسم می نمود.

سپس شامی اظهار داشت: مثل این که، خواستی به من بفهمانی، که در بین شیعیان شما این چنین افرادی وجود دارند که در علوم مختلف آشنا و مسلط می باشند؟!

حضرت فرمود: این چنین فکر کن.

و پس از صحبت هائی حضرت فرمود: خداوند متعال حق و باطل را در کنار یکدیگر قرار داد؛ و پیامبران و اوصیا را فرستاد تا بین آن دو را جدا سازند؛ و انبیا را قبل از اوصیا منصوب نمود تا فضیلت و عظمت هر یک بر دیگری روشن شود.

مرد شامی در این لحظه گفت: خوشا به حال کسی که با شما همنشین باشد.

امام علیه السلام در پایان فرمود: جبرئیل و میکائیل و اسرافیل با رسول خدا - صلوات الله علیهم - همنشین بودند؛ و اخبار و جریانات را از طرف خداوند متعال برای آن حضرت می آوردند.

سپس مرد شامی اظهار داشت: یا بن رسول الله! آیا ممکن است، که من هم جزء شیعیان شما قرار گیرم؟

و مرا نیز از علوم و برکات خود بهره مند فرمائی؟

حضرت هم او را پذیرفت و به هشام فرمود: مسائل مورد نیاز او را تعلیمش بده، که برایت شاگردی شایسته باشد.

(ب) هشام بن حکم

ابوشا کر دیصانی از دانشمندان معروف عصر امام صادق (ع) بود؛ و در صف منکران توحید قرار داشت؛ و معتقد به خدای نور و خدای ظلمت بود و همواره می کوشید تا با بحثهای کلامی؛ عقیده خود را ثابت کند؛ و اسلام را نقض نماید؛ او بنیانگذار مکتبی به نام دیصانیه شده بود و شاگردانی داشت؛ و حتی مدتی هشام بن حکم از

شاگردان او بود؛ در اینجا به یک نمونه از ایراد تراشی های او توجه کنید ():

ابو شاکر به نظر خود ایرادی برای قرآن یافته بود؛ روزی به هشام بن حکم (شاگرد برجسته امام صادق) گفت:

در قرآن آیه ای وجود دارد که عقیده ما (دوگانه پرستی) (را تصدیق می کند.

کدام آیه را می گوئی ؟ آنجا که (در آیه ۸۴سوره زخرف) می خوانیم:

و هو الذی فی السما اله و فی الارض اله : او کسی است که در آسمان معبود است و در زمین نیز معبود می باشد؛ بنابراین آسمان معبودی دارد؛ و زمین معبود دیگر.

هشام می گوید: من ندانستم چگونه به او پاسخ بگویم ؛ در آن سال به زیارت خانه خدا مشرف شدم ؛ و نزد امام صادق (ع) رفتم و ماجرا را عرض کردم.

امام صادق (ع) فرمود: این سخن بی دین خبیثی است ؛ هنگامی که بازگشتی ؛ از او بپرس : نام تو در کوفه چیست ؟ می گوید: فلان.

بگو: نام تو در بصره چیست ؟

می گوید: فلان ؛ سپس بگو: پروردگار ما نیز همین گونه است ؛ نام او در آسمان اله است و در زمین نام او اله است ؛ و همچنین در دریاها؛ و صحراها و در هر مکانی ؛ اله و معبود؛ او است.

هشام می گوید: هنگامی که بازگشتم ؛ به سراغ ابوشاکر رفتم ؛ و این پاسخ را به او دادم .
گفت : (این سخن از تو نیست ؛ این را از حجاز آورده ای) هذه نقلت من الحجاز

• تاثیر شخصیت علمی امام جعفر صادق (ع) بر سبک زندگی اسلامی

راهی که امام جعفر صادق (ع) با رفتار و منش علمی خود به شیعیان حقیقی مکتب جعفری نشان می دهد، راهی گوهر بار و پر ثمر است که باید در آن مسیر پی جستن شیوه ای برای به دست آوردن علم در راه خدمت و هدایت خلق، چگونه زیستن الهی و رسیدن به هدف اصلی خلقت بود. تمام دغدغه ی دانشمندان و کارشناسان متخصص حوضه ی علوم اجتماعی غرب بر آن است که سبک و الگویی مناسب و استوار بر پایه های عقلانی و علمی روز دنیا برای بهتر زیستن بشر ارائه دهند، حال آنکه در مکتب اسلام و بزرگان آن در برخی اوضاع و شرایط حساس، همچون امام جعفر صادق (ع)، شیوه ی حرکت و تقویت علمی را از مبارزه و جهاد مسلحانه برای خروج مردم از جهالت اولتر دانسته و با این الگو حتی شاگردانی از خود به یادگار گذاشتند که با تاسی به نهضت علمی آنان حتی زمامداران و حاکمان ظالم را نیز مغلوب نمودند.

• جمع بندی و نتیجه گیری

اگر ما با توجه به آموزه های دین اسلام و تفحص در سیره ، شخصیت علمی و جایگاه اجتماعی بزرگوارانی همچون امام جعفر صادق (ع) و شاگردان ایشان در مسیر زندگی خود راه بهتر زیستن و رسیدن به قله های علم و دانش برای خدمت به خلق را برگزینیم ، بی شک هم به تکامل بعد معنوی و هم مادی پرداخته ایم ، علاوه بر آن که می توان این راه را تا رسیدن به تمدن پیشرفته و بزرگ اسلامی که لازمه آن دست یابی به قله های علمی در همه زمینه هاست ، ادامه داده و دستاوردی بزرگ برای نسل های بعدی به جای گذاشت. این تمدن سدی محکم از لحاظ بنیه های علمی و اعتقادی در برابر سبک زندگی مادی گرایانه غربی خواهد بود.

• منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. کتاب تذکره الائمه اثر علامه بزرگوار مجلسی
۴. کتاب اصول کافی اثر شیخ کلینی
۵. کتاب التهذیب اثر محمد بن حسن طوسی
۶. درسنامه امام صادق (ع) اثر آیت الله سید صادق شیرازی
۷. کتاب امام شناسی، جلد هجدهم اثر آیت الله سید محمد حسین حسینی طهرانی

۸. کتاب امام جعفر صادق شگفتی قرن ها
۹. مقاله سیره عملی امام جعفر صادق (علیه السلام) اثر جمیله مهدوی نیا
۱۰. مقاله رییس مذهب جعفری اثر محمد رضا لاجوردی
۱۱. مقاله دفاع عقلانی از دین نگاهی به سیره علمی امام صادق (ع) در تبیین معارف دینی اثر ربانی گلپایگانی
۱۲. مقاله جنبش علمی و فرهنگی در میان دو توفان شدید سیاسی اثر اسد الله افشار
۱۳. مقاله تربیت یافتگان مکتب امام صادق (ع) اثر محمد اصغری نژاد
۱۴. پایگاه اینترنتی ابناء
۱۵. پایگاه اینترنتی تبیان
۱۶. پایگاه اینترنتی راسخون
۱۷. پایگاه اطلاع رسانی شیعیان

